

رابطه شیوه های فرزندپروری، سبک های تصمیم گیری و سازگاری خانواده با ناامیدی دانش آموزان دختر دوره متوسطه اول شهر عجب شیر

مهرداد ساسانی^۱، یلدا فتحی^۲

^۱ دکتری مشاوره و مدرس موسسه آموزش عالی میزان، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ کارشناسی ارشد، روانشناسی تربیتی

چکیده

یکی از گرایش های منفی در زمینه هیجانات و عواطف ناامیدی است که با احساس ناتوانی و بی علاقه‌گی به زندگی آشکار می شود به طوری که فرد در اثر ناامیدی نمی تواند به درستی موقعیت های زندگی را بسنجد، در نتیجه قدرت تطبیق با تغییرات زندگی در او بشدت کاهش می یابد. متغیرهای متعددی می توانند در ایجاد احساس ناامیدی دانش آموزان در ارتباط باشند. هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی رابطه شیوه های فرزندپروری، سبک های تصمیم گیری و سازگاری خانواده با ناامیدی دانش آموزان بود. این پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش دانش آموزان دختر دوره متوسطه اول شهر عجب شیر در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۹۸ بودند، که از این جامعه تعداد ۳۶۶ دانش آموز به روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شدند. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه های مقیاس شیوه های فرزندپروری دیانا بامریند، سبک های تصمیم گیری اسکات و بروس، مقیاس سازگاری خانواده السون و مقیاس ناامیدی کازدین و همکاران استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده ها از روش همبستگی و رگرسیون چند گانه به روش گام به گام با استفاده از نرم افزار SPSS استفاده شد. نتایج نشان داد که شیوه فرزندپروری استبدادی، سهل گیرانه و سبک تصمیم گیری اجتنابی، آنی و وابسته رابطه مثبت و معنادار با ناامیدی دارند و شیوه فرزندپروری مقتدرانه و سبک های تصمیم گیری عقلایی، شهودی و سازگاری خانواده رابطه منفی و معنادار با ناامیدی دارند. همچنین مشخص گردید که شیوه فرزندپروری مستبدانه و سبک تصمیم گیری اجتنابی پیش بینی کننده مثبت و سبک فرزندپروری مقتدرانه و سبک های تصمیم گیری عقلایی و شهودی و سازگاری خانواده پیش بینی کننده منفی برای ناامیدی هستند.

واژه های کلیدی: شیوه های فرزند پروری، سبک های تصمیم گیری، سازگاری خانواده، ناامیدی

مقدمه

ناامیدی حالت تکان دهنده است که با احساس ناتوانی و بی علاقه‌گی به زندگی آشکار می‌شود و فرد در اثر ناامیدی به شدت غیر فعال شده و نمی‌تواند موقعیت های مختلف خود را بسنجد و تصمیم بگیرد. ناامیدی شخص را سریعاً در هم شکسته و او را در برابر عوامل فشار بی‌دفاع و گرفتار می‌کند (پرند، شکوهی یکتا، فقهی، ۱۳۹۳).

متغیرهای مختلفی با ناامیدی در ارتباط اند. یکی از این متغیرها، سبک های فرزند پروری والدین است. درباره تاریخچه شیوه های فرزندپروری، باید گفت هر دوره با توجه به نگرش های اجتماعی و فرهنگی رایج، شیوه تربیتی خاصی نسبت به کودکان اعمال شده است. مثلاً در سه دهه نخست قرن ۲۰ در آمریکا روش های فرزند پروری خشک و خشن بودند در آن زمان به والدین توصیه می‌شد که با آغوش گرفتن کودک در حال گریه او را لوس نکنند، طبق برنامه ثابتی به او غذا بدهند، در دهه ۱۹۴۰ روند شیوه های فرزندپروری در جهت سهل‌گیری و انعطاف پذیری بیشتر دگرگون شد. در این زمان نظریه های فرزندپروری زیر نفوذ مکتب روان تحلیل گری قرار گرفت. مکتبی که در آن بر امنیت عاطفی کودک و زبان های ناشی از کنترل شدید تکانه های طبیعی او تاکید می‌کرد. در حال حاضر با پیشرفت جوامع و رشد آن بحث فرزند پروری کودک محوری مطرح است. که مطابق خواست و میل و اراده کودک رفتار کنند (عنایت، یعقوبی دوست، ۱۳۹۳).

دایانا بامریند با مشاهده تعامل های والدین با فرزندان پیش دبستانی در خانه و آزمایشگاه اطلاعات فراوانی درباره تجارب فرزندپروری جمع آوری کرد. وی دریافت که شیوه های مختلف در دو بعد با یکدیگر متفاوتند. بعد اول «توقع دار» والدین استاندارد های بالایی را برای فرزندان خود تعیین می‌کنند و تاکید دارند که فرزندان شان به آن استانداردها دست یابند و بعضی دیگر از والدین از فرزندان خود توقع کمتری دارند و به ندرت سعی می‌کنند در رفتار فرزندان خود نفوذ داشته باشند. بعد دوم «پذیرندگی» است، گروهی از والدین نسبت به فرزندان خود پذیرنده و قبول کننده هستند. در واقع ترکیب گوناگون دو بعد پذیرندگی و توقع داشتن، چهار شیوه فرزندپروری را به وجود می‌آورد که پژوهش بامریند بر سه شیوه متمرکز است: مستبدانه، مقتدرانه و آسان گیر. چهارمین شیوه یعنی طرد کننده را محققان دیگر مورد مطالعه قرار داده‌اند (برک، ۱۹۹۷؛ به نقل از پرند و همکاران، ۱۳۹۳).

در هر کدام از شیوه‌ها، ترکیبی متفاوت از دو بعد فرزند پروری، یعنی محبت و کنترل وجود دارد. والدینی که معادله تربیتی سلطه‌گرانه‌ای را اعمال می‌کنند، نسبت به فرزندان خود کم محبت هستند و بر کنترل شدید فرزندان تاکید دارند. والدین مقتدر، در عین حال که با فرزندان مهربان و پذیرنده هستند، محدود کننده نیز می‌باشند. البته دلایل محدودیت‌ها را برای فرزندان خود توضیح می‌دهند و بالاخره والدین آسان‌گیر، هم در مقابل فرزندان خود، پاسخگو، گرم، پذیرا و فرزند محور هستند و هم کنترل و نظارتی چندانی بر فرزندان خود ندارند (نوابخش و فتحی، ۱۳۹۰).

متغیر دیگری که می‌تواند با ناامیدی ارتباط داشته باشد، سبک های تصمیم‌گیری است، تصمیم‌گیری به طور برجسته در تمام شاخه‌های علوم اجتماعی و رفتاری که به دنبال شناسایی قوانین اساسی رفتار انسانی و پدیده‌های اجتماعی هستند، بررسی می‌شوند. تصمیم‌گیری فرآیندی پیچیده و کل گرایانه است که بخش های زیادی از نئوکورتکس را درگیر می‌کند و با سرعت زیادی رخ می‌دهد. پارکر (۲۰۰۷) تصمیم‌گیری را فرآیند حل مسئله‌ای مطرح کرده‌اند که با به دست آمدن یک راه حل ارضاکننده به پایان می‌رسد. تصمیم‌گیری همچنین انتخاب یک راهکار از میان گزینه های مختلف نیز دانسته می‌شود و بر طبق این تعریف هسته مرکزی نامیده می‌شود. سبک تصمیم‌گیری، الگوی فردی تفسیر و پاسخ به تکالیف تصمیم‌گیری است. به واسطه این سبک هاست که در تصمیم‌های متفاوت افراد در موقعیت های یکسان امکان پذیر می‌شود (کوهن، ۲۰۱۷). هارن سه سبک منطقی‌وابسته و شهودی را پیشنهاد داد و سپس فیلیپسو همکاران سبک اجتنابی، اسکات و بروس سبک آنیرا به سبک های قبلی افزودند. ویژگی‌های انسانی مثل هوش، دانش و قضاوت و عوامل محیطی مثل فشارهای محیطی بر تصمیم‌گیری تاثیر می‌گذارند. تحقیقات نشان داده‌اند که بین سنین ۱۷-۲۴ سال، فشار همسالان مهمترین فاکتور در تصمیم‌گیری است (گوشرای، ۲۰۰۳؛ نقل از آهنچیان، عصارودی، ۱۳۹۴).

نتیجه تحقیق ماثو نشان داد که سبک تصمیم‌گیری شهودی و منطقی دانشجویان در دو کشور تایوان و آمریکا مشابه است و تنها سبک تصمیم‌گیری وابسته در آن‌ها متفاوت است. همچنین نتایج تحقیقی در ترکیه روی دانش‌آموزان دبیرستانی انجام شد، نشان داد که دختران در مقایسه با پسران، سبک های تصمیم‌گیری کمتر تکانه‌ای را اتخاذ می‌کنند. به علاوه، دختران بیشتر سبک تصمیم‌گیری وابسته داشته و از عدم مختاری رنج می‌برند. وی خاطر نشان کرد که این تفاوت‌ها به دلیل تفاوت های فرهنگی است) آهنچیان و عصاروددی، (۱۳۹۴)

متغیر دیگری که در این پژوهش در ارتباط با ناامیدی دانش‌آموزان بررسی می‌شود، سازگاری خانواده است. لینگرن (۲۰۰۳) سازگاری خانواده را به دو صورت احساس نزدیکی عاطفی با افراد دیگر تعریف می‌کند. از نظر او دو کیفیت مربوط به سازگاری در خانواده، مشتمل بر تعهد و وقت گذراندن با همدیگر است. تعهد اشاره دارد به میل و صرف وقت و انرژی در فعالیت های خانواده و ممانعت از تاثیر منفی عواملی چون مسائل شغلی که باعث می‌شوند فرد مدت زیادی از تعاملات خانواده دور بماند. افراد مراقب همدیگر هستند و این را در رفتار و گفتگوهایشان نشان می‌دهند و وقتی که سازگاری بالا باشد، اعضا خانواده پیشرفت شادی و رفاه همدیگر را می‌خواهند و هرگاه یکی از اعضا دچار مشکلی شود حاضرند برای رفع آن مشکل کاری انجام دهند. بعد دیگر سازگاری خانواده از نظر لینگرن، وقت گذاشتن و با هم بودن در اعضا خانواده است. خانواده‌هایی که در این زمینه قوی هستند به طور مرتب برنامه‌ها و زمان‌هایی برای فعالیت‌های گروهی در نظر می‌گیرند. این امر در حالیکه ساده به نظر می‌رسد در عمل دشوار است. چون اعضا خانواده‌ها معمولاً اضافه وقتها را به همدیگر اختصاص می‌دهند و زمانی که اعضا مشغول انجام کارهای مربوط به خودشان هستند یا خسته‌اند یا مشکل است که بتوانند اوقات مفیدی را برای همدیگر صرف کنند) آبشا، (۲۰۱۵)

السون خانواده را از لحاظ انسجام و سازگاری در چهار سطح از هم متمایز می‌کند:

۱. سطح گسسته: در این گونه خانواده‌ها هر کسی برای خود شکار می‌کند و هیچ گونه همکاری در خانواده صورت نمی‌گیرد افراد از لحاظ عاطفی مستقل هستند و اغلب کارهای خودشان را انجام می‌دهند.
۲. سطح منفرد: در این سطح افراد از لحاظ عاطفی، مستقل و جدا هستند اما در پاره‌ای از اوقات اعضا خانواده با هم هستند.
۳. سطح معاشر: در این سطح افراد زمان‌هایی را که با همدیگر می‌گذرانند برایشان مهمتر از اوقات تنهایی است.
۴. سطح گرفتار: این سطح فرد نمی‌تواند در خانواده استقلال داشته باشد و افراد به شدت به همدیگر وابسته‌اند) السون ۲۰۰۳، به نقل از سامانی، (۱۳۹۱)

السون (۲۰۰۳) معتقد است که از میان این چهار سطح، سطوح ایده آل سازگاری خانوادگی، سطوح میانی یعنی سطح مرتبط و سطح جدا می‌باشد که در آنها خانواده متعادل است و لیدر دو سطح انتهایی یعنی سطح گرفتار و سطح رها شده، سازگاری خانوادگی خیلی بالا و یا خیلی پایین است که در این موارد خانواده نامتعادل است. به طور کلی عواقبی که عدم سازگاری در خانواده به دنبال دارد به دو دسته تقسیم می‌شود. آثار و پیامدهایی که دامنگیر فرزندان خانواده خواهد شد و دو پیامدهایی که به خود زوجین آسیب می‌رساند. از مهم‌ترین آثار ناسازگاری در خانواده در رشد و تکامل شخصیت کودک می‌توان به تشویش، فشار درونی، ناامنی و میل به ارزیابی جهان به عنوان جای ناامن و خطرناک، احساس کینه و نفرت نسبت به والدین و عدم اطاعت از آنان، احساس یأس و ناامیدی در زندگی اشاره کرد. همچنین تأثیر سوء عواقب ناسازگاری خانواده در دختران به مراتب بیشتر از پسران می‌باشد و این امر به ویژگی‌های روحی و عواطف آنان برمی‌گردد، لذا با توجه به مطالبی که ارائه گردید، محقق در پژوهش حاضر بر آن است تا به بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری و سبک های تصمیم‌گیری و سازگاری خانواده با ناامیدی دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه اول بپردازد.

روش بررسی

این تحقیق توصیفی و از نوع همبستگی می‌باشد. در این پژوهش شیوه های فرزندپروری، سبک های تصمیم‌گیری و سازگاری خانواده به عنوان متغیرهای پیش بین و ناامیدی به عنوان متغیر ملاک در نظر گرفته شده‌اند.

جامعه آماری این پژوهش کلیه دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه اول شهر عجب شیر در سال تحصیلی ۱۳۹۶-۹۷ بودند، که تعداد آن‌ها بر اساس گزارش اداره آموزش و پرورش ۷۹۵۰ نفر است که از این جامعه تعداد ۳۶۶ دانش‌آموز به روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شد. در این روش ابتدا فهرستی از دبیرستان‌های دخترانه متوسطه دوره اول شهر عجب شیر انتخاب و از بین این مدارس، چهار مدرسه انتخاب و سپس از هر مدرسه نیز، سه کلاس به تصادف انتخاب شدند و سپس نمونه مورد نیاز به روش نمونه گیری تصادفی از میان دانش‌آموزان آن کلاسها انتخاب گردید بدین ترتیب ۳۶۶ دانش‌آموز به عنوان جمعیت نمونه انتخاب شدند.

ابزار اندازه گیری

۱- پرسشنامه ناامیدی کازدین و همکاران (۱۹۸۳)

مقیاس ناامیدی در سال ۱۹۸۳ توسط کازدین و همکاران بر اساس مقیاس ناامیدی بک ساخته شده است که دارای ۱۷ عبارت بوده و آزمودنی باید موافقت یا مخالفت خود با عبارات آن را به وسیله پاسخ بلی یا خیر مشخص سازد. بالاترین امتیاز در این آزمون ۱۷ است که نشانگر بالاترین حد ناامیدی در کودک و پایین ترین امتیاز صفر است که نشانگر پایین ترین سطح ناامیدی است.

میزان پایایی حاصل از بازآزمایی مقیاس ناامیدی مبتلا به اختلالات روانی در فاصله ۶ هفته ۵۷/۰ و در نمونه کودکان بهنجار در فاصله ۱۰ هفته ۴۹/۰ گزارش شده است و پایایی حاصل از روش دو نیمه کردن اسپیرمن-براون ۹۷/۰ و همسانی درونی آزمون را ۸۴/۰ گزارش کرده‌اند (داهلبرگ، توال، بهرنس، ۱۹۹۸). همچنین در پژوهش خورشیدوند (۱۳۹۳)، ضریب همسانی درونی ۸۷/۰ به دست آمد و اعتبار محتوایی نسخه فارسی به وسیله پنج متخصص (دو روانپزشک، دو روانشناس بالینی و یک متخصص روانسنجی (مورد تایید قرار گرفت).

۲- پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند (۱۹۷۳)

این پرسشنامه اقتباسی است از نظریه اقتدار والدین که براساس نظریه بامریند، از سه الگوی آزاد گذاری، آمرانه و اقتدار منطقی والدین جهت بررسی الگوهای نفوذ و شیوه‌های فرزند پروری، ساخته شده است. این پرسشنامه دارای ۳۰ سوال است که ۱۰ سوال آن به شیوه آزاد گذاری مطلق، ۱۰ سوال به شیوه آمرانه و ۱۰ سوال دیگر به شیوه اقتدار منطقی والدین به امر پرورش فرزند مربوط می‌شود. در پژوهش تنکابنی و بندچی (۱۳۷۹) اعتبار پرسشنامه ۷۲/۰ بدست آمد. همچنین بوری میزان پایایی این پرسشنامه را با روش باز آزمایی ۸۱/۰ برای آزاد گذاری، ۸۵/۰ برای استبدادی و ۹۲/۰ برای اقتدار منطقی پدران گزارش نمود (اسفندیاری، ۱۳۷۴).

۳- پرسشنامه سبک تصمیم‌گیری اسکات و بروس (۱۹۹۵)

این مقیاس توسط اسکات و بروس (۱۹۹۵) برای سنجش سبک‌های تصمیم‌گیری بر اساس نظریه‌های تصمیم‌گیری تهیه شده است. از نظر بروس و اسکات به طور کلی پنج سبک تصمیم‌گیری وجود دارد که عبارتند از: ۱. عقلانی، ۲. شهودی، ۳. وابستگی، ۴. آنی، ۵. اجتنابی. این آزمون دارای ۲۵ عبارت است و آزمودنی باید در یک طیف لیکرت ۵ درجه (کاملاً مخالف ۱=، تا کاملاً موافق ۵=) میزان موافقت یا مخالفت خود با هر یک از عبارات را مشخص سازد. این پرسشنامه دارای ۵ زیر مقیاس بوده و به هر زیر مقیاس ۵ عبارت اختصاص یافته است. با مقایسه نمرات آزمودنی در زیر مقیاس‌های مربوط به سبک‌های گوناگون، سبک اصلی وی مشخص می‌شود. زیر مقیاسی که دارای بیشترین امتیاز است، سبک غالب آزمودنی در تصمیم‌گیری به شمار می‌رود. هستند، یانا، ۲۰۱۲) اسکات و بروس (۱۹۹۵) ضریب آلفای کرونباخ را برای سبک عقلانی ۸۵/۰، سبک شهودی ۸۴/۰، سبک آنی ۹۴/۰ و سبک اجتنابی ۸۷/۰ گزارش کرده‌اند. همچنین هادی زاده مقدم و طهرانی (۱۳۸۷) ضریب آلفای کرونباخ ۷۱/۰ را برای کل آزمون گزارش کرده‌اند.

۴- پرسشنامه سازگاری (انطباق پذیری) خانواده آلسون و همکاران (۱۹۸۶)

مقیاس انعطاف پذیری و سازگاری خانواده آلسون و همکاران (۱۹۸۶) به منظور ارزیابی سازگاری یا انطباق پذیری خانواده ساخته شد. اساس این ابزار، مدل مدور ترکیبی عملکرد خانواده است که توسط خود آلسون مطرح شده است. بر اساس این مدل رفتار خانواده سه بعد اصلی دارد: انسجام، سازگاری (و ارتباط. در این مقیاس ۲۰ عبارت بر اساس مقیاس ۱ در جه ای از تقریباً همیشه تا تقریباً هرگز برای ارزیابی سازگاری و انعطاف پذیری خانواده پاسخ داده می شود. برای محاسبه نمره این مقیاس، نمره تمامی موارد با هم جمع می شود تا نمره کل به دست آید. مطالعه رضویه و سامانی (۱۳۷۹) در خصوص این مقیاس بر اساس همبستگی با پدر و مادر، مدت تعامل، مکان، تصمیم گیری، ارتباط عاطفی، روابط زناشویی و رابطه فرزندان حاکی از کفایت این مقیاس برای همبستگی فرد با خانواده است. ضریب آلفا ۰/۹۰ و ضریب پایایی برای کل مقیاس ۰/۷۹ گزارش شده است. همچنین ساسانی (۱۳۸۱) روایی این مقیاس را از طریق تحلیل عاملی و روایی همگرا مطلوب گزارش کرده است (ساسانی، ۱۳۸۱).

داده های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS-۲۲ و روش آماری ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه (گام به گام (مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

یافته ها:

برای بررسی ارتباط شیوه های فرزندپروری، سبک های تصمیم گیری، سازگاری خانواده با ناامیدی دانش آموزان از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید.

میانگین و انحراف استاندارد نمره های آزمودنی ها در متغیرهای شیوه های فرزندپروری، سبک های تصمیم گیری، سازگاری خانواده و ناامیدی در جدول ۱ درج شده است.

جدول ۱ میانگین و انحراف استاندارد نمره های آزمودنی در متغیرهای مورد مطالعه

متغیر	مؤلفه	میانگین	انحراف معیار
شیوه های فرزند پروری	شیوه مستبدانه	45/25	21/8
	شیوه سهل گیرانه	32/29	00/6
	سبک مقتدرانه	86/36	90/3
سبک های تصمیم گیری	شیوه عقلایی	14/18	62/8
	شیوه آنی	66/12	74/6
	شیوه اجتنابی	62/11	61/8
	شیوه شهودی	32/19	21/6
	شیوه وابستگی	21/15	73/10
سازگاری خانواده	-	31/67	70/9
ناامیدی	-	98/11	18/1

جدول ۲ نتایج همبستگی بین خود دلسوزی، حس انسجام و مؤلفه های آنها با ناامیدی دانش آموزان

متغیر	مؤلفه ها	ضریب همبستگی (r)	سطح معناداری	متغیر ملاک
شیوه های فرزند پروری	شیوه مستبدانه	-0/293*	000/0	ناامیدی

	000/0	**414/0	شیوه سهل گیرانه	سبک های تصمیم گیری
	000/0	**363/0-	سبک مقتدرانه	
	000/0	**315/0	شیوه عقلایی	
	000/0	**454/0	شیوه آنی	
	000/0	*226/0-	شیوه اجتنابی	
	000/0	**363/0-	شیوه شهودی	
	000/0	**315/0	شیوه وابستگی	
	000/0	**443/0-	نمره کل	سازگاری خانواده
05/0<P *01/0<P **				

جدول ۲ که نمایشگر نتایج همبستگی مولفه های شیوه های فرزندپروری، سبک های تصمیم گیری و سازگاری خانواده با ناامیدی دانش آموزان است، نشان می دهد که شیوه فرزند پروری مستبدانه و سهل گیرانه و سبک تصمیم گیری اجتنابی و آنی با ناامیدی دانش آموزان رابطه مثبت و معنا داری وجود دارد و بین شیوه فرزندپروری مقتدرانه و سبک های تصمیم گیری عقلایی، شهودی و همچنین سازگاری خانواده با ناامیدی رابطه منفی معنادار مشاهده گردید. به منظور تعیین سهم هر یک از متغیرهای پیشبین در تعیین تغییرات متغیر ملاک) ناامیدی (از تحلیل رگرسیون چند گانه به روش گام به گام استفاده شد.

پیش از استفاده از تحلیل رگرسیون در ابتدا داده های پرت با استفاده از نمودار باکسپلات مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که هیچ گونه داده پرتی وجود ندارد. در گام بعد به منظور بررسی خطی بودن رابطه متغیرها از نمودار اسکتر استفاده شد. نتایج نشان داد که رابطه بین متغیرهای مورد بررسی خطی است. همچنین نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف نیز نشان داد که توزیع داده ها نرمال است. ($\chi^2/df \geq 0.1$) با توجه به برقرار بودن مفروضه ها از تحلیل رگرسیون استفاده شد.

جدول ۳ خلاصه رگرسیون چند گانه برای جهت پیش بینی ناامیدی بر اساس شیوه های فرزندپروری، سبک های تصمیم

گیری و سازگاری خانواده

متغیر	SE	B	β	F	p
عقلایی	165/0-	036/0	269/0-	881/1 4	005/0P <
شهودی	183/0-	036/0	170/0-		
اجتنابی	214/0	022/0	420/0		
استبداد	130/0	018/0	261/0		
مقتدرانه	038/0-	014/0	115/0-		
سازگاری	046/0-	005/0	308/0-		

در جدول ۳ ضرایب غیر استاندارد b و همچنین ضرایب استاندارد بتا برای پیش بینی ناامیدی بر اساس شیوه های فرزندپروری، سبک های تصمیم گیری و سازگاری خانواده و همچنین ضرایب معناداری آنها با ناامیدی ارائه شده است. همانگونه که مشاهده می شود ضرایب بتا برای شیوه فرزندپروری استبدادی و سبک تصمیم گیری اجتنابی مثبت است، که نشان می دهد با افزایش آنها میزان ناامیدی نیز افزایش پیدا می کند. همانگونه که مشاهده می شود سبک تصمیم گیری اجتنابی و شیوه فرزندپروری عقلایی به ترتیب با ضرایب بتا ۴۲۰/۰ و -۲۶۹/۰ بیشترین سهم را در پیش بینی ناامیدی دارند. مقدار F بدست

آمده برای هر متغیر پیش‌بین نشان دهنده معناداری مقدار واریانس پیش‌بینی شده است. مقدار پیش‌بینی مورد نظر در سطح ۰/۰۵ معنادار است. همچنین سهم هر یک از متغیرهای مورد نظر بترتیب ۰/۴۲ ، ۰/۲۶۹ ، ۰/۱۷۰ ، ۰/۲۶۱ ، ۰/۱۱۵ و ۰/۳۰۸ می‌باشد. با توجه به مقدار ضریب تعیین، می‌توان گفت که متغیرهای فوق ۹/۶۴ درصد از واریانس متغیر ملاک (نامیدی) را در کل جامعه آماری دانش‌آموزان تبیین می‌کند.

بحث

نتایج نشان می‌دهد که بین شیوه مقتدرانه با نامیدی رابطه منفی و بین شیوه مستبدانه و سهل‌گیرانه با نامیدی رابطه مثبت معنادار وجود دارد. این نتایج با یافته‌های وایت (۲۰۰۹) ، تورنده جانی و همکاران (۱۳۹۲) ، بلاگرا (۲۰۱۴) ، شفر (۲۰۰۸) و بقائیان (۱۳۹۰) همخوان می‌باشد.

نتایج وایت (۲۰۰۹) حاکی از آن است که سبک فرزند پروری مقتدرانه نقش مهمی در خودکارآمدی تصمیم‌گیری در نوجوانان ایفا می‌کند. شیوه مقتدرانه موجب پایداری بسیار و شایستگی نوجوان می‌شود که به اعتقاد بامریند همین باعث رشد فوق‌العاده است و همانطور که نتایج تحقیقات هم نشان می‌دهد مطلوب‌ترین نتایج تحولی با فرزند پروری مقتدر همراه است که دو ویژگی شخصیتی دارد: تعیین حدود در مورد رفتار نوجوان و پاسخ دهی به نیازها و رفتارهای نوجوان به گرمی، والدینی که درست می‌شنوند و به خوبی پاسخ می‌دهند فرزندان بار می‌آورند که هم از نظر هوشی و هم به لحاظ اجتماعی کارآمدتر هستند. به طور کلی والدین دارای سبک مقتدرانه دارای سطح بالای از کنترل و پاسخ دهی می‌باشند، آنها فرزندان خود را به عنوان افرادی با کفایت و موفق نگریسته و از آنها مطابق با توانایی شان انتظار دارند. همچنین این والدین به شخصیت فرزندان خود احترام گذاشته و فرزندان آنها مستقل، گرم، صمیمی و دارای روحیه امیدواری بیشتری هستند و توانایی ابراز وجود و انگیزه‌های پیشرفت بالایی دارند که چنین رویه‌ای احتمالاً به خودکارآمدی بالا و رضایت خاطر آنان منجر خواهد شد. از سویی دیگر، والدین مستبد هم به اطاعت و کنترل بی‌چون و چرا بها می‌دهند و سعی دارند نوجوانان را مطابق معیارهای رفتاری خودشان شکل دهند و در صورت سرپیچی آنها را به شدت تنبیه می‌کنند آنها در مقایسه با سایر والدین رابطه عاطفی و گرم کمتری را با فرزندان خود دارند و تا حدودی از این لحاظ بین خود و فرزندان فاصله ایجاد می‌کنند. کودکانی که با این سبک پرورش می‌یابند دارای گرایش‌های بی‌نظیر نارضایتی، گله، شکایت و گوشه‌گیر و بی‌اعتماد و ناامیدند. این والدین سطوح بالای از کنترل و سطح پایینی از پاسخ دهی را اعمال می‌کنند آنها از فرزندان خود انتظار اطاعت دارند و اغلب برای پیشگیری از نافرمانی فرزندان خود را تنبیه می‌کنند (شفر، ۲۰۰۸).

همچنین به دلیل اینکه در سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه والدین لوازم و خدمات فراوانی در اختیار نوجوان قرار می‌دهند فرد در میان این آسان‌گیری منفعل و بی‌حوصله و ناراضی می‌شود. والدین امتیازات و خدمات زیادی را در اختیار نوجوان خود می‌گذارند ولی توجهی به نیازهای اصلی نوجوان نمی‌کنند. در نتیجه نوجوان کسل و بی‌تفاوت و ناامید می‌شود و ابتکار و خودانگیزگی خویش را نیز از دست می‌دهد. فرد سهل‌گیر اکثراً توانایی تصمیم‌گیری برای خود را نداشته و اکثراً منتظر تصمیم‌گیری از طرف دیگران می‌باشد که در نتیجه جرات ورزی پایین و ناامیدی را در وی موجب می‌شود. بطور کلی عدم توجه والدین به سالم‌سازی محیط روانی و عاطفی کودکان و نوجوانان و فقدان استفاده از شیوه فرزند پروری مناسب در بیشتر موارد آنان را با کمبودهای عاطفی و انگیزش و مشکلات روانی روبه‌رو می‌سازد. خانواده مطلوب، خانواده‌ای است که امنیت عاطفی، احساس ارزشمندی، باور تعلق و مورد عشق و علاقه بودن را تأمین کند. در این خانواده‌ها افراد فرصت بیشتری برای رسیدن به استقلال و مسئولیت‌پذیری خواهند داشت و فرزندان، سازگاری مناسب تری دارند. در خانواده‌هایی که والدین از طریق روش‌های فرزندپروری مناسب مانند شیوه اقتدار منطقی با فرزندان خود ارتباط دارند، افراد دوستانه به اظهار نظر خود می‌پردازند و دیگر اعضای خانواده نیز به گفته‌های آنها گوش فرا می‌دهند و این احساس خوب گفتن و جلب توجه نمودن، زمینه‌های عزت نفس و امیدواری را در تک‌تک افراد خانواده مهیا می‌کند.

همچنین نتایج تحقیق حاضر نشان داد که بین سبک تصمیم‌گیری اجتنابی، آنی و وابسته با نامیدی رابطه مثبت و بین سبک تصمیم‌گیری عقلایی، سبک تصمیم‌گیری شهودی و سازگاری خانواده با نامیدی رابطه منفی معنادار وجود دارد. کما اینکه

شیوه فرزندپروری استبدادی و سبک تصمیم گیری اجتنابی به عنوان متغیرهای پیش‌بین مثبت ناامیدی و شیوه فرزندپروری مقتدرانه و سبک تصمیم‌گیری عقلایی، شهودی و سازگاری خانواده به عنوان متغیر پیش‌بین منفی ناامیدی شناخته شدند. در واقع افرادی که از سبک عقلایی برخوردارند تصمیمات خود را براساس جستجو و تحلیل کافی و کامل قرار می‌دهند. تصمیم گیرنده عقلایی تمایل دارد که تمامی اطلاعات مربوط را جستجو کند و به ارزیابی گزینه‌ها بپردازد. در این سبک، تصمیم گیرنده تمام راه حل‌های ممکن را شناسایی می‌کند و پیامدهای آنها را بررسی می‌کند و در نهایت گزینه مطلوب را انتخاب می‌کند افراد دارای این نوع سبک دارای عزت نفس، خود پنداره و اراده بالا در تصمیم‌گیری هستند. اراده بالا می‌تواند باعث افزایش تصمیم‌گیری از روی عقل و اندیشه شود. در نتیجه افراد دارای سبک عقلایی از نتیجه تصمیم خود پشیمان نمی‌شوند چون تصمیم‌گیری آنان بر پایه عقل و تامل بوده است، لذا هیچ وقت احساس پشیمانی و ناامیدی به آنان دست نخواهد داد. همچنین ویژگی سبک تصمیم‌گیری آنی، تصمیم‌گیری سریع و آنی است. افراد دارای این نوع سبک در مواجهه با موقعیت تصمیم‌گیری بلافاصله و بدون تامل و درنگ عمل می‌کنند. تصمیم‌گیری‌های آنی بیشتر بر پایه هیجانات هستند که اغلب موجب نتایج زیانباری برای خود فرد می‌شوند. افراد دارای سبک تصمیم‌گیری آنی غالباً از نتیجه تصمیم‌گیری خود پشیمان و ناامید می‌شوند.

از سویی افرادی که از سبک تصمیم‌گیری اجتنابی برخوردارند فرد برای جلوگیری از هر نوع اکتشاف منطقی در هنگام مواجهه با مساله تا آنجا که امکانپذیر باشد تصمیم‌گیری را به تعویق انداخته و از هرگونه واکنش نسبت به مساله رخ داده طفره می‌روند. در این سبک تصمیم‌گیری، از انجام تصمیم‌گیری طفره می‌رود. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که این سبک با عزت نفس پایین رابطه مثبت دارد در نتیجه می‌توان پیش‌بینی کرد که فرد بعداً از نتیجه عدم تصمیم‌گیری منطقی و عملکرد سوء خود به شدت نادم و ناامید گردد (ثانهولموپتر، ۲۰۰۹).

از جهتی، گرچه در سبک تصمیم‌گیری شهودی، فرد فاقد منطق روشن در مورد تصمیم‌گیری خود است و با تکیه بر بینش خود آن چیزی را که فکر می‌کند درست است انجام می‌دهد، ولی در این سبک تصمیم‌گیری فرد بیشتر به احساسات و هیجانات خود توجه می‌کند و زمانی که در برخی شرایط با یک بحران مواجه می‌شود و یا به علت پیچیدگی محیطی با شرایطی خاصی مواجهه می‌گردد که امکان بررسی دقیق و نظام مند اطلاعات وجود ندارد، شهود به کمک آمده و در انتخاب تصمیم مناسب کمک مهمی را ایفا می‌کند. لذا به نظر می‌رسد این نوع تصمیم‌گیری می‌تواند در شرایط خاصی بهترین شیوه تصمیم‌گیری برای فرد باشد که نتایج رضایت بخشی برای فرد به دنبال داشته باشد به گونه‌ای که فرد از نتایج تصمیم‌گیری به موقع خود در آن شرایط خاص احساس پشیمانی و ناامیدی نمی‌کند (زارع و همکاران، ۱۳۹۶).

و در آخر باید به نکته اشاره کرد که اصولاً سبک تصمیم‌گیری وابسته بیانگر عدم استقلال فکری تصمیم‌گیرنده در عمل و تکیه بر حمایتها و راه‌های دیگران در هنگام اتخاذ تصمیم است. به عبارتی افرادی که از سبک تصمیم‌گیری وابسته برخوردارند در هنگام مواجهه شدن با یک مشکل یا مسئله نیازمند این هستند که حتماً فردی در کنار آنها باشد تا کاملاً مطابق گفته‌ها و تصمیمات او عمل کنند. چنین فردی به جای اینکه در هنگام اتخاذ تصمیمات مهم با دیگران مشورت نموده و در نهایت تصمیم نهایی را خود بگیرد، کاملاً متکی و وابسته به نظرات سایر افراد عمل می‌کند. در نتیجه خود پنداره و عزت نفس این گونه افراد همیشه پایین است و از این که تصمیمات مهم زندگی خود را خود نمی‌توانند اتخاذ کنند احساس ناامیدی و یاس می‌کنند (اسکومیکر، ۲۰۱۵).

همچنین وجود مشکلات هیجانی و تعاملی کودکان منعکس کننده شرایط پیچیده بین اعضای خانواده به ویژه والدین می‌باشد. به عبارتی، وجود مشکلات سازگاری، عاطفی و ارتباطی به منزله وجود روابط معیوب اعضای خانواده با یکدیگر است و با شیوه‌های ناسازگاری والدین ارتباط دارد، بنابراین می‌توان گفت در خانواده‌هایی سازگار و منسجم تعهد و پیوند عاطفی میان اعضای آن حکمفرماست، اعضا نسبت به ارزش‌ها و علایق یکدیگر حساسند و برای یکدیگر وقت و انرژی می‌گذارند. فرزندان در این گونه خانواده‌ها از حس استقلال، خودکارآمدی، عزت نفس، قدرت انطباق و رفتار نوع دوستانه مناسبی برخوردارند. هم چنین

قادرند به دیگران اعتماد کنند و به قدرت خود نیز اعتماد دارند. تمام این موارد می تواند دلیلی بر کاهش اضطراب و یاس و ناامیدی در چنین خانواده هایی باشد) ویکتور، برنات، برنستین و لین، (۲۰۱۰)

منابع

- آهنچیان، محمد؛ عصارودی، عبدالقادر. (۱۳۹۴). ارتباط سبک تصمیم گیری و یادگیری خود راهبر در دانشجویان هوشبری. مجله علوم مراقبتی نظامی، شماره ۱، صص. ۲۴-۳۲
- اعتباریان، امیر؛ خیرمند، مریم؛ صادقی، آسیه. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین هوش هیجانی و سبک های تصمیم گیری مدیران کارخانه پلی اکریل اصفهان. فصلنامه مدیریت توسعه و تحول، شماره ۱۹، صص. ۳۰-۱۹
- پرند، اکرم؛ شکوهی یکتا، محسن؛ فقیهی، علی نقی. (۱۳۹۳). مطالعه تطبیقی سبک های فرزندپروری. تربیت اسلامی، شماره ۳، صص. ۱۱۵-۱۴۰
- پناهی، مینا؛ زارعان، میلاد. (۱۳۹۱). سلامت خانواده و عوامل اجتماعی موثر بر آن. فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۵۹، صص. ۴۰-۱.
- تاتاری، میثم. (۱۳۹۶). رابطه خودکارآمدی و ناامیدی در دانش آموزان مقطع ابتدایی. مجله طنین سلامت، شماره ۲، صص. ۵۵-۴۹.
- حسن زاده پشنگ؛ سیروس. صفاری نیا، محمد حسین؛ محمدی، رعنا. (۱۳۹۵). سبک های تصمیم گیری و ذهن آگاهی و ذهن خوانی: مطالعه ارتباط این سازه ها در یک گروه غیر بالینی. دوفصلنامه علمی - پژوهشی شناخت اجتماعی، شماره ۲، صص. ۱۱۸-۱۳۳.
- خلعتبری، جواد؛ قربان شیروودی؛ شیوا. (۱۳۸۹). مقایسه اثربخشی روش های آموزش مهارت ابزار وجود و حل مساله بر سازگاری و پرخاشگری دانش آموزان. فصلنامه روانشناسی تربیتی، شماره ۳، صص. ۸۵-۱۰۱
- زارع، حسین؛ نهروانیان، پروین. (۱۳۹۶). تاثیر دوره آموزش تفکر انتقادی بر سبک های تصمیم گیری و سبک های حل مسئله. دوفصلنامه راهبردهای شناختی در یادگیری، شماره ۹، صص. ۱۴-۳۱
- سامانی، سحر. (۱۳۹۱). بررسی مدل علی همبستگی خانوادگی، استقلال عاطفی و سازگاری، پایان نامه دکتری. دانشگاه شیراز
- سلیمی بجستانی، حسین. (۱۳۸۹). معرفی نظریه امید. فصلنامه ذهن زیبا، شماره ۸، صص. ۹-۱۱
- عنایت، حسن؛ یعقوبی دوست، مهدی. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین شیوه های فرزندپروری والدین با خشونت خانگی نسبت به فرزندان در شهر اهواز. پژوهش های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، شماره ۲، صص. ۶۱-۷۸
- محمد، لاری. (۱۳۸۸). بررسی ناامیدی و رهیافت های شناختی، تبریز: انتشارات رهپویان حسینی نسب، داوود؛ احمدیان، فاطمه؛ روانبخش، محمدحسین. (۱۳۸۷)
- بررسی رابطه شیوه های فرزند پروری با خودکارآمدی و سلامت روانی دانش آموزان، ویژه نامه مطالعات تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی.

ارشد روانشناسی کارشناسی. اجتماعی های آسیب و جرایم از پیشگیری در خانواده نقش. (۱۳۹۲). نرگس نصرآبادی، نجارپور تهران دانشگاه استثنایی کودکان.

Abesha, A.G. (2015). Effects of Parenting Styles, Academic Self-efficacy and Achievement Motivation on the Academic Achievement of University Students in Ethiopia. Perth Western Australia Edith Cowan University.

Beach, L. R. (1990). "Image Theory: decision making in Individual and Organizational Contexts": London: Wiley.

Cervone, HF. (2005). Making Decisions", International digital library perspectives, 21:1 the current issue and full text archive of this journal is available at: <http://www.emeraldinsight.com>.

Chaos, Solitons & Fractals. (2017). The newsvendor problem with reference dependence, disappointment aversion and elation seeking. Volume 104, Pages 568-574.

Cohen DC, Sharma T. (2017). Social support and chronic kidney disease: an update. *adv chronic kidney dis*:2116303(3):005-033.

Debyo, A. (2004). "Depression and its correlation with self-esteem ". *Iran Journal Psychiatry*, 4, 17-22.

Dejekam N. (2008) Beck sadness scale about students of Tehran university. Thesis of MS of Tehran university.

François D. (2008) Children's Conceptions of Hopefulness and Hopelessness (Doctoral dissertation).

Matis, R. (2014). "Assessment of loneliness at school among children with mild mental retardation". *American Journal on Mental Retardation*, 96, 373-85.

Moregan, S. (2012). "Genetic epidemiology of major depression: Review and metanalysis". *American Journal of Psychiatry*, 157, 1552-1562.

Nigar P, Derman MT, Sadoglu O. (2010). The levels of anxiety and hopelessness of primary education children with speech disorders and of their parents. *Element Educat Online* ;9 (1):23-30.

Oliveira, A. (2007). A Discussion of Rational and Psychological Decision-making Theories and Models: the search for a cultural ethical decision-making model, *Electronic journal of business ethics and organization studies*, N, 12.12-

Olson.D.H, (1999) circumplex model of marital & family systems. *Journal of family therapy*, 223033-056.

Parker, A. (2007). Maximize Versus Satisfices: Decision Making Styles, Competence and Outcomes, *Judgment and Decision Making*, 2: 342-344.

Patton, JR. (2003). Intuition in Decisions, *Journal of Management Decision*, and *Journal Available from*.

Schoemaker, A. F. (2015). The Relationship between Decision-Making Style and Negative Affect in College Students: Drexel University

Singh, R. Greenhouse, J. (2004). The Relation between Career Decision-Making Strategies and Person-Job fit: A study of job changers, *Journal of vocational behavior*. 64: 202, Available from <http://www.science-direct.com>.

Snyder CR, Lopez SJ, Shorey HS, Rand KL, Feldman DB. (2003). Hope theory, measurements, and applications to school psychology. *School Psychol Quart.* 18(2):122.
Thunholm, Peter (2008), "Decision-Making Style: habit, style or both? ", *Journal of Personality and Individual Differences*, pp 932-933.

Relationship between parenting practices, decision making styles and family adjustment with frustration in first grade high school students in Ajabshir city

1. Mehrdad Sasani 2. Yalda Fathi

2. Phd Counseling, Teacher of Mizan University, Tabriz, Iran(Corresponding Author)

1. Masters of Educational Psychology

Abstract

The purpose of this study was to determine the relationship between parenting practices, decision making styles and family adaptation with despair of students. This research is descriptive and correlational. The sample consisted of 366 high school female students of AJB, selected by multistage cluster sampling. The research tools included child-rearing questionnaire, decision making styles and frustration scale. For data analysis, correlation and stepwise regression were used. The results showed that the authoritarian, permissive, and direct decision-making style of avoidance, immediate and dependent style is directly related to frustration. The authoritative parenting style and rational, intuitive, and family decision-making styles have inverse relationship with frustration. It was also found that the authoritative child-rearing style and the decision-making style of a positive predictor and an authoritative parenting style and rational and intuitive decision-making styles and family adaptation are negative predictors of frustration

Key words:frustration, parenting styles, decision making styles, family adaptation